

احساس

احساس خود را رها کن
در آسمانی خیالی
تا دشت گل‌های وحشی
تا رقص دریا و شالی
بگذار با دشت گل‌ها
حرف دلش را بگوید
یا اینکه در آب دریا
پره‌های خود را بشوید
با خود ببر گاهگاهی
او را به باغی پر از گل
بگذار تنها بماند
با سار و گنجشک و بلبل
احساس مثل پرنده است
بی بال و پر جان ندارد
زنده است با شوق پرواز
او تاب زندان ندارد